

دانشگاه الزهرا  
دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته :

پژوهش علوم اجتماعی

**موضوع :**

بررسی مقایسه ای ارزشهای اجتماعی - فرهنگی حوزه خانواده بین دو نسل

مادران و دختران

**استاد راهنما :**

دکتر خدیجه سفیری

**استاد مشاور :**

دکتر منصوره اعظم آزاده

**دانشجو :**

سهیلا دیرند

شهریورماه 1388

## فهرست کلی مطالب:

### فصل اول: کلیات پژوهش

۳ ..... طرح مسأله و اهداف

۸ ..... پیشینه تحقیق

### فصل دوم : ادبیات نظری

15 ..... تعریف مفاهیم مربوط به متغیر وابسته

29 ..... دیدگاه های نظری موجود

53 ..... چارچوب تئوریک

57 ..... فرضیات تحقیق

### فصل سوم : روش تحقیق :

60 ..... تعریف متغیر ها

73 ..... روش تحقیق و مفاهیم مربوط به آن

### فصل چهارم : یافته های پژوهش

78 ..... نتایج توصیفی

114 ..... نتایج تحلیلی

### فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

129 ..... نتایج

133 ..... پیشنهادات

۱۳۵ ..... فهرست منابع فارسی

۱۳۹ ..... فهرست منابع انگلیسی

## فهرست مطالب :

### فصل اول : کلیات پژوهش

۳.....	طرح مسئله
۶.....	اهمیت و ضرورت
۸.....	پیشینه تحقیق
۱۳.....	اهداف تحقیق

### فصل دوم : ادبیات نظری

۱۵.....	تعریف و تحدید مفهوم ارزش
۲۰.....	تعریف و تحدید مفهوم خانواده
۲۳.....	تعریف و تحدید مفهوم نسل
۲۹.....	دیدگاه های نظری موجود
۲۹.....	جامعه شناسی تضاد و تغییر ارزشها
۳۲.....	تحول اجتماعی و مدرنیته و تغییر ارزشی
۴۲.....	نظریه نسل تاریخی و تغییر ارزشی
۴۴.....	ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی
۴۷.....	فردگرایی و تغییر ارزشی
۵۰.....	اقتدار گرایی و تغییر ارزشی
۵۳.....	چارچوب تئوریکی
۵۶.....	مدل تئوریکی تحقیق
۵۷.....	فرضیات تحقیق

## فصل سوم : روش تحقیق

تعریف مفهومی متغیرها .....	۶۰
تعریف عملیاتی متغیرها .....	۶۳
شیوه سنجش متغیرها .....	۷۲
روش تحقیق و تکنیک گردآوری اطلاعات .....	۷۳
جامعه آماری و نمونه تحقیق .....	۷۳
شیوه نمونه گیری .....	۷۴
واحد تحلیل و سطح مشاهده .....	۷۵
اعتبار و روایی .....	۷۵

## فصل چهارم : یافته های پژوهش

نتایج توصیفی .....	۷۸
نتایج توصیفی متغیر وابسته .....	۸۵
نتایج توصیفی متغیرهای مستقل .....	۱۰۱
نتایج تحلیلی .....	۱۱۴
آزمون فرضیات .....	۱۱۴
تحلیل رگرسیون .....	۱۲۱
تحلیل مسیر .....	۱۲۵

## فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

نتایج .....	۱۲۹
پیشنهادات .....	۱۳۳

پیشنهادات نظری ..... ۱۳۳

پیشنهادات عملی ..... ۱۳۴

منابع فارسی ..... ۱۳۵

منابع انگلیسی ..... ۱۳۹

چکیده فارسی:

در اثر دگرگونی هایی که در سطح جهانی و ملی رخ داده ، نقش زنان در نهاد خانواده و نهادهای شغلی ، تغییرات قابل توجهی داشته است . در جوامع کنونی به علت گسترش وسایل ارتباط جمعی و فراوانی منابع ارائه دهنده اطلاعات و تنوع ارزشهای موجود ، تجارب و آموزشهای نسل فعلی متفاوت از نسل قدیم گردیده ، که این خود باعث شده سرعت تغییر نسلهای سنی زیاد شود و در نتیجه میزان بازتولید ارزشهای اجتماعی در جامعه جدید بسیار کاهش یابد و هر نسل ارزشهای خاص خود را تولید کند و در نتیجه نوع نگاه و نگرش متفاوتی به خود داشته باشد.

هدف از این تحقیق بررسی وقوع یا عدم وقوع تغییر در ارزشهای اجتماعی-فرهنگی مربوط به نظام خانواده در میان دو نسل از زنان (مادران و دخترانشان) و نیز عوامل موثر بر وقوع این تغییرات می باشد.

در بررسی این مسئله از نظریات جامعه شناسانی چون مارکس، دورکیم، وبر، اینگلههارت، مانهایم و گیدنز و نیز از نظریات مربوط به فردگرایی، اقتدار در خانواده و نیز ارتباطات استفاده شد.

روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق بصورت پیمایشی و جمعیت نمونه آن ۲۵۶ نفر از دختران ۱۸ تا ۳۰ سال متاهل دانشگاه های دولتی شهر تهران و مادرانشان بودند.

نتایج نشان دادند که اصولاً در بحث تغییر ارزشها، با تفاوت ارزشی دختران و مادران در این حوزه مواجه هستیم و نیز متغیرهای فردگرایی، گرایش به عوامل مادی، نظارت والدین در تصمیمات فرزندان و نیز تنوع استفاده از وسایل ارتباط جمعی و طبقه اقتصادی خانواده پدری پاسخگویان، بر ایجاد این تغییرات موثر بودند.

**فصل اول**  
**کلیات پژوهش**

## (۱) طرح مسئله:

اصولاً بحث پیرامون مفهوم ارزش، نظام ارزشی و مفاهیمی از این دست، از مباحث جدی و مهم در علوم اجتماعی و بالخصوص جامعه‌شناسی می‌باشد.

از نظر علمای اجتماعی، ارزش‌ها از یکسو راهنما و تعیین‌کننده گرایش‌های اجتماعی وایدئولوژی و از سوی دیگر تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قوانین، اعتقادات و اصول مقدس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند.

(Manstead, Antony S.R. & Miles Hewstone 1996)

اولویت‌های ارزشی افراد یکسان نبوده؛ بلکه معمولاً منعکس‌کننده خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصر به فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است (Schwats, 99 : Shalomll & Ecttaprince Gibson 1998).

از سوی دیگر نهاد خانواده به عنوان مهمترین نهادی که درانتقال ارزشهای اجتماعی به فرزندان و نسل بعد مطرح می‌باشد، در این زمینه بسیار درخور توجه و اهمیت است.

به بیان دیگر خانواده نهادی است که اولین پایه‌های ارزشی افراد را شکل می‌دهد. و لذائقی اساسی و حیاتی در شکل دادن به گرایشهای ارزشی نسل بعد را به عهده دارد. چنانکه پارسونز نیز این کار را به عنوان یک مسئولیت اساسی خانواده معاصر معرفی می‌کند. (پارسونز، ۱۳۶۳ : ۸۱).

البته باید توجه داشت که انتقال ارزشهای خانواده به فرزندان آن هم در دنیای مدرن امروز همواره بصورت کامل و همه‌جانبه صورت نمی‌گیرد، چرا که در پی روند عام‌نوسازی جهانی از آغاز قرن بیستم و بویژه از اواسط آن و دوره پس از جنگ جهانی دوم، بدلیل تغییرات سریع و شدید و حوادث بزرگ و مقطعی و تاریخی - نظیر جنگ‌ها، جنبش‌ها و انقلابات اجتماعی - شکاف وسیع و عمیقی بین اجتماع سنتی دیروز و جامعه مدرن امروز ایجاد گشت که از مظاهر آن کاهش روزافزون تأثیر سنت، میراث



واقترار جامعه بزرگسال بر نسل‌های جوان تر در اثر افزایش آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی و جهان مدرن می‌باشد. (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۹۶)

در واقع در جوامع ماقبل مدرن که آهنگ تغییر و تحولات اجتماعی بسیار سطحی و کنداست، پسران مانند پدران و دختران مانند مادران زندگی می‌کنند. (آزادارمکی: ۱۳۸۶: ۴۶)

حال با توجه به آنکه جامعه امروز کشور ما نیز در حال طی کردن روند نوسازی در روابط اجتماعی می‌باشد، لذا این امر خود زمینه مساعدی برای رشد شکاف ارزشی بین نسلها را فراهم می‌آورد. چنانکه همین امر خود باعث شد که از دهه هفتاد و با روی کارآمدن دولت اصلاحات و اهمیت یافتن بیشتر نسل جوان، این مسئله به عنوان موضوعی مهم مورد توجه متخصصان و پژوهشگران، قرار بگیرد.

در سال ۱۳۸۱ روزنامه همشهری از ابراز نگرانی عضو مجلس از افت مذهبی و فرهنگی جوانان در سالهای اخیر خبر می‌دهد. (روزنامه همشهری، ۲۹ دی ۱۳۸۱)

در نظر سنجی دیگری که توسط سازمان ملی جوانان انجام گرفت، از ۵۸ هزار جوان مورد مطالعه در سراسر کشور، ۷۹ درصد به این سؤال که خانواده‌ام به من اطمینان ندارند، پاسخ مثبت داده‌اند. (روزنامه اعتماد ملی، ۲۳ اذر ۱۳۸۱)

البته در این زمینه نظرات مختلفی در میان جامعه‌شناسان و محققان داخلی وجود دارد. جلیلی معتقد است که اساساً شکافی میان نسلها وجود ندارد و آنچه هست اختلافات ناچیز یا در مواردی نادر قابل توجه است (جلیلی، ۱۳۷۸: ۱۴ به نقل از چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۲: ۳۱۶).

توکل (۱۳۸۲) نیز با تأکید بر شباهت‌های ارزشی دو نسل مادران و دختران، معتقد است که شکاف نسلی در عمل و در سطح خانواده بین عناصر آن از قبیل مادران و دختران وجود ندارد (مجله مناسبات، توکل، ۱۳۸۲: ۳۷۲)

در مقابل افرادی چون همتی (۱۳۸۲)، منصورنژاد و... مدعی‌اند که فرایند گسست نسل‌ها، هم در عرض و هم در طول رخ داده است (مجله مناسبات، منصورنژاد، ۱۳۸۲:۱۸۸).

اما نتیجه این بررسی‌ها هرچه که باشد حاکی از اهمیت روزافزون بحث تغییر ارزشی‌جویان و شکاف نسلی آنها با والدینشان است.

نکته قابل توجه دیگر در این زمینه این است که همسو با حرکت جامعه به سمت مدرنیت و نوسازی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی منبعت از آن، حضور زنان نیز در عرصه‌های اجتماعی افزایش یافته است. امروزه بیش از نیمی از جمعیت دانشگاهها را زنان تشکیل داده‌اند. (سازمان ملی آمار ایران، ۱۳۸۵) و به تبع از نظر شغلی نیز نسبت به گذشته، سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

به نظر می‌رسد این رشد علمی و اجتماعی در کنار سایر عوامل، خود بستر مناسبی برای تغییر نگرش و رویکردهای دختران جوان به مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی شده است که زمینه را برای تغییر نگرش و ارزشهای آنان به مسائلی چون سن مناسب برای ازدواج، نوع تقسیم وظایف و مسئولیت‌های زندگی با شوهر، تعداد فرزندان و... فراهم کرده است.

در بریتانیا که به عنوان یکی از مظاهر کشورهای مدرن شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۴، بیش از ۷۰ درصد از زوج‌های جدید به جای ازدواج قانونی رابطه هم‌خانگی بدون ازدواج داشته‌اند (مرکز آمار، ۱۹۹۶).

همچنین پیرامون طلاق، در اتحادیه اروپا میانگین این مسئله از ۵/۱ مورد به ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۸۱ به ۷/۱ مورد در هزار در سال ۱۹۹۳ رسیده است (مرکز آمار، ۱۹۹۶).

همه این موارد نشان دهنده آن است که اگرچه ایران هنوز به عنوان یک کشور در حال توسعه، با این آمارهای جهانی فاصله دارد، اما بطور قطع، به عنوان عضوی از جامعه جهانی شاهد تغییراتی در

ارزشهای نسل جوان خود نسبت به نسل قبل است؛ که به نظرمی‌رسد با توجه به این روند، در حال افزایش نیز می‌باشد.

این در حالی است که این دختران که بعنوان مادران نسل بعد مطرح می‌باشند، نقش‌اساسی در مهم‌ترین نهاد جامعه در جامعه‌پذیر کردن نسل بعد، یعنی خانواده را به عهده‌داشته و لذا بررسی و شناخت کم و کیف وقوع این فاصله ارزشی بین آنها و مادرانشان به عنوان نسل قبل، پیرامون ارزشهای مربوط به نظام خانواده و عوامل مؤثر در ایجاد آن، مسئله‌ای است که پیش روی این تحقیق قرار دارد.

در نهایت براساس مطالب فوق سئوالات مطرح در این پژوهش عبارتند از:

۱- آیا ارزشهای اجتماعی - فرهنگی مربوط به نظام خانواده در میان دو نسل از زنان(مادران و دختران) تغییر کرده است؟

۲- علل و عوامل مؤثر در ایجاد این تغییرات کدامند؟

۳- چه پیشنهادهایی را می‌توان براساس یافته‌های تحقیق حاضر برای کاهش شکاف‌ارزشی میان مادران و دختران ارائه کرد؟

## ۲-۱- اهمیت و ضرورت مسئله

اصولاً جوانان به عنوان جمعیت فعال در هر کشوری، جایگاه ویژه‌ای در ساخت جمعیتی آن کشور داشته و به تبع نیازها و خواست‌های خاص خود را می‌طلبند.

در واقع جوانان به عنوان نیروی با انرژی و توانایی‌اند که در صورت عدم مدیریت آنها و شکل‌گیری تضادگونه بین نسلی حتی امکان نابودی تمدن نیز وجود دارد؛ همان‌طور که به رسمیت شناختن آنها در یکی از جلوه‌های حیات جمعی (از خانواده تا حوزه عمومی) می‌تواند به تعامل و سازندگی فرهنگی - اجتماعی بیانجامد. (آزاد ارمکی، ۴۲: ۱۳۸۶)

این در حالی است که بر مبنای آنچه که در طرح مسئله گذشت، امروز شاهد تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در میان نسل فعلی دختران با مادرانشان در مورد ارزشهای مختلف فرهنگی - اجتماعی پیرامون خانواده هستیم.

در این زمینه توجه به این مسئله که جامعه ما در دهه‌های اخیر و بویژه در طول تاریخ کوتاه انقلاب اسلامی با تحولات سریع و حوادث عظیمی همچون انقلاب و جنگ، تحریم اقتصادی و حوادث دوران بازسازی و نیز دوره اصلاحات، در مقیاس ملی و جهانی مواجه بوده و از لحاظ همپوشی حوادث مهم و نسل ساز، موردی منحصر به فرد در دوران اخیر در دنیاست، خود راهگشای شناخت بسیاری از عوامل مؤثر در این زمینه می‌باشد. (توکل و قاضی نژاد، ۹۷: ۱۳۸۰)

از سوی دیگر نقش اساسی زنان در نهاد خانواده، به عنوان نهاد اساسی در جامعه‌پذیری و رشد اعضای جامعه غیرقابل انکار است. در واقع زنان در جامعه امروز ایران هنوز هم مهمترین نقش را در شکل دادن به شخصیت فرزندان و نسل آینده جامعه ایفا می‌کنند.

اگر دو قسمت فوق را در کنار یکدیگر بگذاریم، به این نتیجه منطقی خواهیم رسید که شناخت ارزش‌های موجود در خانواده بویژه در طول دو نسل از زنان (مادران و دخترانشان) که نقش اساسی در

انتقال ارزشهای اجتماعی - فرهنگی و جامعه‌پذیرکردن نسل بعدی دارند، و نیز شناخت تفاوتها و تضادهایی که در این مسیر انتقال‌ارزشی در بین دو نسل واقع می‌شود، و بویژه شناخت عواملی که سبب تشدید یا تضعیف این جریان می‌گردند، ضرورت مهمی را در جهت انجام این بررسی مطرح می‌سازد. بویژه اگر مسئولان یک جامعه بدنبال برنامه‌ریزی و جهت دهی به روند این تغییرات نسلی در جهت رشد و ترقی اجتماعی باشند؛ اهمیت و ضرورت انجام این بررسی دو چندان خواهد شد.

## ۴-۱- پیشینه‌ی تحقیق (بررسی مطالعات قبلی):

در زمینه ارزشهای بین نسلی و مسئله شکاف نسلی تا کنون تحقیقات زیادی در داخل و خارج انجام شده است. با این حال توجه و پرداختن به این مسئله در داخل بویژه در ارتباط با نسل سومی‌های بعد از انقلاب و جمعیت جوان و رو به گسترش آن و به تبع مسائل و مشکلات هویتی، ارزشی و جامعه‌پذیری که در مورد آنها مطرح می‌باشد، روزبه روز مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد. لذا در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آنها و بررسی زمینه‌های مورد بررسی و نتایج حاصله آنها می‌پردازیم.

### ۴-۱-۱- آثار داخلی

۱) «مقایسه نگرش مادران و دختران نسبت به ارزش‌های اجتماعی از خانم «شیرین جلیوند» در سال ۱۳۷۳، که در آن به مقایسه نگرش دختران و مادران نسبت به ارزش‌هایی چون تحصیل، حجاب، اشتغال زن در بیرون از منزل و رابطه دوستی میان دختران و پسران نامحرم پرداخته و به بررسی عوامل مؤثر بر این تفاوت نگرش دست‌زده و در قالب این عوامل به عنوان نمونه، نوع تربیت افراد و جریان اجتماعی شدن از طریق رسانه‌ها را مورد توجه قرار داده است.

در پایان نیز نویسنده به این نتیجه رسیده است که اصولاً بین نگرش مادران و دختران نسبت به ارزشهای فوق، تفاوتی ایجاد شده است.

۲) «بررسی و مقایسه نظام ارزشهای پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آنها در شهر تهران» از آقای «کاوه تیموری» در سال ۱۳۷۶، که در این کار پس از تعریف و مشخص کردن نظام ارزشی و تعیین چارچوب تئوریک، به مقایسه این دو نظام ارزشی در زمینه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، زیباشناختی، هنری و سیاسی پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده است که در ابعاد فوق، بین نظام ارزشی پدران و

پسران رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد و در این زمینه، خانواده، مدرسه و گروه همسالان به ترتیب به عنوان مهمترین عوامل مؤثر مطرح می‌باشند.

۳) «تفاوت ارزشهای مادی و معنوی و مذهبی مادران و دختران» از خانم «مهناز توکلی» در سال ۱۳۸۰ که در آن به مقایسه‌ی نظام ارزشی مادران و دختران در سه بُعد با استفاده از مقیاس سنجش ارزش‌های روکیچ، آلپورت و اینگلهارت پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده است که شکاف میان ارزش‌های مادران و دختران وجود دارد؛ و این شکاف در زمینه ارزش‌های معنوی بیش از سایر ارزشها است.

۴) «بررسی تغییرات در روابط درونی خانواده با تأکید بر تحصیلات در طی سه نسل «عالیه فروتن» در سال ۱۳۷۹، که در آن به بررسی تأثیر تحصیلات بر ایجاد تغییرات ارزشی در میان سه نسل از افراد در خانواده‌های شهر تهران پرداخته است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که اصولاً فاصله مکانی باعث کاهش همبستگی خانواده نبوده است و وابستگی‌های عاطفی در میان نسل‌های مختلف در یک خانواده، همچنان باقی است.

۵) «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی (با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای اجتماعی)»، از خانم «ظاهره خزائی» در سال ۱۳۷۹، که در آن به بررسی این مسئله پرداخته که آیا نظام خانواده توانسته است که ارزش‌ها و کارکردهای آداب و رسوم ازدواج و سنن و نظام‌های حمایتی خود را با وجود تحولات دوران مدرن باز تولید کرده و آن را تداوم بخشد؟

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اصولاً خانواده در اجرای آداب و رسوم ازدواج توانسته است کارکرد خود را حفظ و حتی آن را در نسل بعد تشدید نماید؛ و در نهایت اینکه خانواده تهرانی، خانواده‌ای در حال گذر از خانواده سنتی به مدرن است که در این میان همچنان نظام حمایتی و برخی سنت‌های خود را حفظ کرده است.

۶) «پیوستگی یا گسست نسلی والدین و فرزندان تهرانی» از «مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)» در سال ۱۳۸۲، که به بررسی شکاف نسلی فعال در بین چهارگروه پدران، مادران، پسران و دختران تهرانی پرداخته است.

نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد که اصولاً بین نسل فعلی و قبل از آن تفاوت نسلی وجود دارد و آنقدر هم جدی است که حدود ۳۴٪ پاسخگویان به اختلاف نظر زیاد یا خیلی زیاد در ابعاد مختلف با نسل خود اشاره کرده‌اند.

۷) «نسل‌ها و ارزش‌ها و بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال» از خانم «مریم قاضی‌نژاد» در سال ۱۳۸۳، که به بررسی این مسئله پرداخته است که آیا ما در جامعه کنونی ایران با پدیده شکاف نسلی روبرو هستیم؛ یا این امر تنها یک تفاوت نسلی است؟ بر این مبنا، محقق به بررسی ارزش‌های جامعه مورد مطالعه خود، براساس فهرست ارزش‌های بریت و ریت ولا پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برخی شباهت‌های ارزشی در سطوح اجتماعی و ملی وجود دارد؛ در حالیکه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز در سطح ارزش‌های مذهبی، رقابت و سبقت‌جویی و مجموعه ارزش‌های ابزاری و شیوه‌های رسیدن به غایات ارزشی، بین‌سه نسل و بویژه نسل دوم و سوم در مقایسه با هم وجود دارد.

در نهایت آنکه از نقطه نظر این پژوهش، آنچه که در حال حاضر پیرامون تغییر ارزشی‌سه نسل نسبت به هم موجود می‌باشد؛ تفاوت ارزشی بوده و نه شکاف یا گسست نسلی.

۸) «رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل» از خانم «مریم بوربورحسین‌بیگی» در سال ۱۳۸۳، که به یک بررسی موردی در مورد تأثیر اینترنت بر شکاف ارزشی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران با والدینشان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت عامل مؤثری در ایجاد شکاف ارزشی میان دو نسل می‌باشد.



۹) «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی» از خانم «زهرا داریاپور» در سال ۱۳۸۶، که به بررسی اولویتهای ارزشی جوانان و مقایسه آن با ارزشهای نسل قبل از آن پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت معنادار ساختار و اولویتهای ارزشی جوانان بزرگسالان بوده است و ارزشهای این دو نسل در زمینههای مرتبط با امنیت طلبی، سنت گرایی، جهان گرایی و برانگیختگی، تفاوت معناداری دارد. این بدان معنی است که تحقیق حاضر نیز بر وجود تفاوت بین نسلی در میان جوانان و بزرگ سالان اعتقاد دارد.

## ۲-۴-۱- آثار خارجی

۱) در تحقیقی با عنوان «شکاف نسلیها و وضعیت خانوادگی انتسابی» از «استانینگروریسر» در سال ۱۹۷۴، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان پذیرفته شده و عامل ایجاد شکاف نسلی در خانوادهها، سن و جنس معرفی شده است.

۲) در تحقیق دیگری با عنوان «دستیابی و آفرینش هویت برای زنان در علوم انسانی - اجتماعی» از «پولین و استالین» در سال ۱۹۹۴، نتایج نشان دادند که افزایش فردگرایی در زنان با توجه به شغل و تحصیل آنها نسبت به نسلهای قبل و حتی زنان هم نسلشان، باعث ایجاد تجربیات متفاوتی برای آنها شده است.

۳) «نگرشهای سیاسی و ارزشهای اجتماعی جوانان در فرانسه در مقایسه با والدینشان» از «آنیک پرچروان» در سال ۱۹۸۲، که نتایج آن که براساس دادههای افکارسنجی و مصاحبههای مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه بود؛ نشان داد که جوانان از والدین خود رادیکال تر بودند؛ در عین اینکه بیشتر تفاوتها بین این دو نسل بر سرمسائل خاص بوده و نه بر روی اصول و ارزشهای عام

۴) «تغییرات در ارزش اجتماعی، مقایسه تئوری‌های اینگلهارت و کلاگز» که توسط «کاوشی فاسلر» در ۱۹۹۳ انجام گرفته است. در این پژوهش مدل اینگلهارت به عنوان یک مدل فرضیه‌ای که به تغییرات ارزشی بصورت یک بُعدی و تنها از جنبه‌ی مادی‌گرایی به فرامادی‌گرایی نگاه می‌کند، دیده شد؛ و مدل کلاگز، مدلی قیاسی‌واستنتاجی دیده شده که هم به تغییر ارزش‌های مربوط به وظیفه و پذیرش و هم به تغییر ارزش‌های خود تحقق بخشی، توجه کرده است. مورد توجه واقع شد.

در نهایت نتایج این تحقیق نشان داد که هر دو تئوری بر دور شدن از ارزشهای سنتی غربی تأکید دارند.

همان طور که مشاهده می‌شود مجموعه تحقیقات فوق، هر یک به نوعی به تغییرات ارزشی دو نسل (گاه بصورت عمومی در والدین و فرزندان و گاه بصورت خاص در مادران و دختران) پرداخته‌اند. اما آنچه که در اینجا قابل توجه و تأمل می‌باشد، این است که در کلیه‌ی این تحقیقات، ارزش‌های مورد بررسی بصورت عام و در قالب‌های گوناگون ارزش‌های مادی، معنوی، اجتماعی، زیباشناختی و... براساس مدل‌های ارزشی موجود (آلیپورت، شوارتز و...) سنجیده شده و در هیچ‌کدام از این آثار، ارزش‌های مربوط به نهاد و نظام خانواده، بصورت خاص مورد بررسی قرار نگرفته است.

لذا این پژوهش سعی دارد تا با توجه به این نکته، ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی مربوط به نظام خانواده را در قالب نظریه‌گیدنز و ابعادی که او برای ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی نظام خانواده تعریف کرده و تغییرات آنها را برشمرده است مورد بررسی قرار دهد؛ ضمن آنکه توجه به این نکته ضروری است که از جنبه‌های دیگر، تحقیق حاضر به عنوان یک تحقیق طولی در راستای ادامه تحقیقات قبل در مورد بررسی وضعیت موجود تغییر ارزشها در میان نسل‌های مختلف، مطرح می‌باشد.

### ۳-۱- اهداف تحقیق

بر مبنای آنچه تاکنون گفته شد، اهداف کلی این پژوهش عبارتند از:

الف) بررسی ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی مربوط به نظام خانواده در طول دو نسل از زنان (مادران و دختران)

ب) بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی مؤثر در ایجاد و تسریع روند این تغییرات

فصل دوم  
ادبیات نظری